

از پست و بلند ترجمه فیلم (۳)

ترجمه‌ای ایدئولوژیک از فیلم

دوازده سال بردگی

فرزانه شکوهمند

نظام برده‌داری در نقاط مختلفی از جهان حاکم بوده است اما احتمالاً شدیدترین صورت آن در آمریکا در قرن هجده و نوزده جریان داشته است. فیلم *دوازده سال بردگی* درامی تاریخی به کارگردانی استیو مک کوئین و محصول کشور آمریکا است. این فیلم بر اساس داستان واقعی شخصی به نام سالومون نورتاب ساخته شده است. نورتاب سیاه‌پوست آزادی است که با همسر و دو فرزندش در نیویورک زندگی می‌کند. او که با نواختن ویولن امرار معاش می‌کند، زندگی آبرومندی دارد. دو آمریکایی شیاد او را به دام بردگی انداخته و دوازده سال از خانواده‌اش دور می‌کنند. در این مدت نورتاب اعمال غیرانسانی زیادی را می‌بیند و پس از این‌که آزاد می‌شود تصمیم می‌گیرد خاطراتش را بنویسد. او درباره آن‌چه در دوران بردگی بر او گذشته سخنرانی‌های زیادی می‌کند ولی پس از مدتی دیگر خبری از او شنیده نمی‌شود و معلوم نیست چه بر سر او می‌آید.

گفتمان برده‌داری بر مبنای ایدئولوژی برتری سفیدپوستان بر سیاهپوستان بوده است. برده‌داران سفیدپوست، خود را مسیحیانی مؤمن می‌دانستند که از جانب پرورگار مأموریت یافته‌اند سیاهان را به مسیر صحیح زندگی هدایت کنند. آن‌ها برای مشروعیت بخشیدن به حاکمیت خود به کتاب مقدس استناد می‌کردند. مدام کتاب مقدس را برای برده‌ها می‌خواندند و در جهت تثبیت منافعشان آن را تفسیر می‌کردند. سیاهان در نظام برده‌داری حق تحصیل نداشتند و مجبور بودند تفسیر سفیدپوستان از کتاب مقدس را بی چون و چرا بپذیرند. بدین ترتیب، کتاب مقدس منبع قدرتی بود که فقط صاحبان قدرت به آن دسترسی داشتند و با اتکال به آن، سیاهان را استثمار می‌کردند.

فیلم *دوازده سال بردگی* به دلیل ارائه تصویری واقعی از نظام برده‌داری در قرن نوزدهم آمریکا موفق شد در جشنواره توپ طلائی و اسکار سال ۲۰۱۳ برنده عنوان بهترین فیلم درام شود و مورد توجه کشورهای دیگر از جمله ایران قرار بگیرد. این فیلم در سال ۱۳۹۲ به فارسی دوبله شد و در رسانه ملی ایران به نمایش درآمد. در مقایسه متن اصلی و ترجمه فارسی فیلم تفاوت‌های مهمی مشاهده شد. مهم‌ترین این تفاوت‌ها حذف یا تغییر بخش‌هایی از فیلم است که به کتاب مقدس ارجاع دارد. البته نمی‌توان با قطعیت دلیل تک تک موارد حذف شده یا تغییر یافته را مشخص کرد. برخی حذفیات ممکن است به دلیل دشواری زبانی بوده باشد، ولی مثال‌هایی که در این جا آورده‌ام عمدتاً دلایل مذهبی داشته است. با این حال، دلیل تغییر یا حذف این موارد مذهبی مشخص نشد. به نظر می‌رسد نوعی حساسیت مذهبی بیش از حد، عامل این حذفیات و تغییرات بوده است، ضمن این که در مواردی تغییرات اساساً به داستان فیلم لطمه جدی زده است. در مواردی که نقل کرده‌ام، قسمت‌هایی که در پراگماتر آمده، پیشنهاد‌های اصلاحی است، و قسمت‌هایی که در گروه آمده بخش‌های حذف شده هستند.

در بخشی از فیلم، اربابی ظالم به نام ادوین اپس بخشی از کتاب مقدس را تلاوت می‌کند تا به برده‌ها تفهیم کند بنا بر حکم کتاب مقدس، سزای کسی که از ارباب اطاعت نکند این است که تازیانه بخورد:

Edwin Epps: “And that servant which knew his lord's will, which knew his lord's will and prepared not himself, prepared not himself, neither did according to his will shall be beaten with many stripes”. Do you hear that? Stripes. That nigger that don't obey his lord that's his master, do you see? That there nigger shall be beaten with many stripes. Now, *many* signifies a great many lashes. That's scripture.

ادوین اپس: «و آن بنده که خواست آقای خود بداند، خواست آقای خود بداند، و خود را آماده نسازد، خود را آماده نسازد و به خواست او عمل نکند، پس بسیار تازیانه خواهد خورد.» شنیدید؟ شلاق. سیاهی که از آقای اطاعت نکند، اربابش، می‌فهمید؟ این سیاه تازیانه بسیار خواهد خورد. بسیار یعنی خیلی زیاد، چهل تا، صد تا، صد و پنجاه ضربه.

متن فوق در انجیل لوقا (۵۰-۴۷: ۱۲) آمده است. در این جا الفاظ *lord* و *servant* ظاهراً به ارباب و خدمتکار تحت امر ارباب اشاره دارد ولی در واقع، تفسیر آیه می‌گوید که منظور از *lord* خداوند است و منظور از *servant* بنده. در این آیات، به حواریون یا رهبران یا معتقدان به مسیحیت که از اراده یعنی از رسالت مسیح آگاه هستند و می‌دانند که باید منتظر آمدنش باشند و خود و دیگران را برای ظهور مسیح آماده کنند اخطار داده می‌شود که هرکس در این راه غفلت کند باید منتظر عقوبتی سنگین باشد. در این جا مترجم چاره‌ای نداشته جز این که ظاهر الفاظ را حفظ کند تا با تفسیر ادوین اپس مطابقت پیدا کند. اگر مترجم تفسیر آیه را می‌آورد، ادوین اپس نمی‌توانست این گونه نتیجه‌گیری کند. فقط معلوم نیست چرا جمله آخر گوینده که می‌گوید: *That's scripture* (این نص کتاب مقدس است)، از ترجمه حذف شده است.

در نظام برده‌داری، سفیدپوستان مزرعه‌دار معتقد بودند هر چه فرد درستکارتر، برده هایش بیشتر و کارآمدتر و محصولات زراعی‌اش فراوان‌تر است. در بخش زیر ادوین اپس یکی از برده‌های خود را بخاطر برداشت فراوان پنبه تحسین می‌کند و در آخر می‌گوید این برده موهبت خداست به او و خداوند با دادن چنین پاداشی به بندگان درستکارش به آنها درس می‌دهد:

Edwin Epps: Damn queen. Born and bred to the field. A nigger among niggers. And God gave her to me. A lesson in the rewards of righteous living.

ادوین اپس: کارت عالیه. کارت عالیه پتسی. سیاهی بین سیاهان. سیاه با ارزشی دارم، این پاداش خوبیه منه.

نمونه دیگر:

Edwin Epps: It's a plague. It's cotton worm. It's a plague. It's damn biblical. Two seasons God done sent a plague to smite me. What I done that God hates me so? It's that godless lot. They brought this on me. I bring them God's word and heathens. They are, they bring me God's scorn.

ادوین اپس: آفته. کرم پنبه‌ست. بیشتر محصول پنبه از بین رفته. نمیدونم برای چی باید مجازات بشم. من که ظلمی نکردم. چرا باید به همچین عذابی گرفتار بشم؟ بازم بهم آفت خورد. این دومین ساله. من گناه و خطایی مرتکب نشدم که اینجوری بخوان تنبیهم بکنن. طاعونه. (دو فصله که خدا به زمینام آفت میزنه تا ذلیم کنه. چیکار کردم که اینقد ازم متنفره؟ این کار برده‌هاس. باعث و بانیش اون خدانشناسان. من کلام خدارو برای اون بی‌دینا آوردم اونا قهر خدارو برای من).

در نمونه فوق، تمام افعالی که اشاره مستقیم به «خداوند» دارند حذف شده‌اند. در نمونه‌های بعدی هم حذف ارجاعات مسیحی آشکار است:

Edwin Epps: It's the Lord's Day. Ain't nothing Christian in us carrying on like this. I concede to you.

ادوین اپس: امروز یکشنبه‌س (روز عبادت خداست). تعطیله... پس کارم باید تعطیل باشه (مسیحی واقعی که از اینکارا نمیکنه). من کوتاه میام.

Edwin Epps: You miserable wench. Where you been?

Patsey: I been nowhere!

Edwin Epps: Lies to your misdeeds!

Patsey: The Sabbath day, Master. I took me a walk to commune with the Lord.

Edwin Epps: Bring the Lord into your deceptions? You're coming from Shaw's plantation.

Platt: No! Master Epps.

Edwin Epps: Now, you speak? Now that you want to add to her lies, you find your tongue!

Patsey: I went to Master Shaw's plantation.

Edwin Epps: Ah! You admit it.

Patsey: Yes, freely. And you know why? I got this from Mistress Shaw. Mistress Epps won't even grant me no soap to clean with. I stink so much, I make myself gag! Five hundred pounds of cotton. Day In, day out! More than any man here. And for that, I will be clean. That's all I ask. This, here, what I went to Shaw's for... The Lord knows that's all!

ادوین اپس: دختره ابله (فاحشه) کجا بودی؟

پتسی: من جایی نبودم.

ادوین اپس: پس دروغ می‌گی؟

پتسی: [امروز یکشنبه است ارباب. رفته بودم یه کم قدم بزنم و با خدا راز و نیاز کنم.]

ادوین اپس: [می‌خواهی دروغ بگی، پای خدا رو به میون نکش. رفته بودی مزرعه شاو.]

پلت: [نه ارباب.]

ادوین اپس: [حالا که می‌خواهی از دروغاش دفاع کنی زبون باز کردی؟!]

پتسی: [رفته بودم مزرعه شاو.]

ادوین اپس: [پس اعتراف می‌کنی!]

پتسی: [بله! ترسی ندارم که بگم. می‌دونی چرا؟ چون رفته بودم اینو از خانم شاو بگیرم. خانم اپس حتی صابونم بهم نمیده خودمو بشورم. اینقد بوی گند میدم که حالم از خودم بهم می‌خوره!] روزی پونصد پوند پنبه می‌چینم، بیشتر از هر مردی. حقمه که تمیز باشم. رفتم از مزرعه شاو صابون بگیرم... [دروغ نمی‌گم. خدا میدونه که دروغ نمی‌گم]

Bass: [...] White and black alike.

Edwin Epps: You comparing me to a nigger, Bass?

Bass: I'm only asking, in the eyes of God, what is the difference?

Edwin Epps: You might as well ask what the difference is between a white man and a baboon. I see one of them critters in Orleans know just as much as any nigger I got.

Bass: listen Epps, these niggers are human beings. If they are allowed to climb no higher than brut animals, you and men like you will have to answer to it. There is an ill, Mr. Epps. A fearful ill resting upon this nation. And there will be a day of reckoning yet.

بس: [...] سیاه و سفید نداره.

ادوین اپس: با سیاه‌ها مقایسه می‌کنی، بس؟

بس: فقط می‌گم در واقعیت (در پیشگاه خدا) فرقتون چیه؟

ادوین اپس: خب میتونی پرسی فرق بین یه سفیدپوست و یه بوزینه چیه؟ یه بوزینه تو

اورلئانز دیدم به اندازه سیاه‌های من حالیش بود.

پس: ببین آپس، این سیاهای انسانن، آگه تو و امثال تو با حیوانات وحشی مقایسه‌شون کنین یه روزی باید جواب بدین. این مرضه آقای آپس. مرض خطرناکی که مردم ما گرفتارشن و بالاخره هم باید تاوانشو بدن (باید روز حساب جواب پس بدن).

در بخش زیر، صحبت از خودکشی یکی از برده‌های زن به نام پتسی است که از دوست خود می‌خواهد او را در مرداب خفه کند. در ترجمه این بخش، جملاتی که ارجاعات مذهبی داشته‌اند و به زعم پتسی خودکشی را توجیه می‌کنند کلاً حذف شده است. ببینید از این گفتگو سر در می‌آورید:

Patsey: Platt, you awake?

Platt: I am.

Patsey: I have a request. An act of kindness. I secreted it from the mistress.

Platt: Return it.

Patsey: It yours, Platt.

Platt: For what cause?

Patsey: All I ask, end my life. Take my body to the margin of the swamp. Take me by the throat, hold me low in the water...until I is still and without life. Bury me in a lonely place of dying.

Platt: I will do no such thing. The gory detail with which you speak...

Patsey: I thought on it long and hard.

Platt: It is melancholia. Nothing more. How can you fall into such despair?

Patsey: How can you not know? I ain't got no comfort in this life. If I can't buy mercy from you I'll beg it.

Platt: There are others. Beg them.

Patsey: I'm begging you!

Platt: Why? Why would you consign me to damnation with such an ungodly request?

Patsey: There is God here! God is merciful and he forgive merciful acts. Won't be no hell for you. Do it. Do what I ain't got the strength to do myself.

پتسی: پلت ... پلت ... بیداری؟

پلت: چیه؟ چی میخوای؟
پتسی: [یه خواهشی ازت دارم. میخوام یه لطفی در حقم بکنی. اینو بگیر (سکه رو) از خانم قایمش کردم].
پلت: [برش گردون بهش].
پتسی: [میخوام بدمش به تو]
پلت: [برای چی؟]
پتسی: [میخوام منو ببری کنار مرداب، گلومو بگیر و سرمو بکنی زیر آب اونقد نگهم داری تا بمیرم. بعدش تو یه قبرستون دور افتاده دفنم کنی].
پلت: من این کارو نمی‌کنم. چی داری میگی؟
پتسی: من خیلی به این لحظه فکر کردم...
پلت: این مالیخولیاست. چیز دیگه‌ای نیست. چطور تا این حد مایوس شدی؟
پتسی: یعنی میخوای بگی تو نمیدونی؟ از برده بودن خسته شدم. دیگه تحمل زجر و سختی ندارم. [اگه خواهشمو قبول نکنی بهت التماس می‌کنم].
پلت: [چرا اومدی سراغ من. برو به یکی دیگه بگو این کارو بکنه].
پتسی: [میخوام تو این کارو بکنی!]
پلت: چرا؟ چرا میخوای با همچین درخواست وحشتناکی منو معذب کنی؟ (این کارت از نظر دینی درست نیست. چرا میخوای عذاب جهنمو برام بخری؟)
پتسی: نه تو نباید معذب بشی. چون منو از عذاب نجات میدی (این کار ربطی به خدا نداره. خدا بخشنده‌س. اگه کاری با نیت خیر انجام بشه خدا می‌بخشه، نمی‌فرستت جهنم). رنجی که تو این سال‌ها کشیدم منو به اینجا کشوند. پس کمک نمیکنی نجات پیدا کنم؟ (تو منو بکش. خودم از پس این کار برنمیام).

در این گفت‌وگوی بازسازی‌شده، کل مفهوم خودکشی از میان رفته است و موضوع صحبت پلت و پتسی مشخص نیست. تنها جایی که می‌توان موضوع صحبت را حدس زد جمله آخر است که پتسی از پلت می‌خواهد نجاتش دهد اما چگونه، معلوم نیست. فیلم‌های برجسته جهان، آثار بینافرهنگی ارزشمندی هستند. در دوبله این آثار، حذف قسمت‌هایی که با عرف رایج در جامعه ناسازگار است (مانند قسمت‌هایی که به تجاوز جنسی به برده‌ها اشاره دارند) پذیرفتنی است، اما حذف قسمت‌هایی که نقش گفتمانی و محتوای ایدئولوژیک دارند باعث می‌شود مفهوم اثر آسیب ببیند. اساساً مشخص نیست که این قبیل فیلم‌ها را چه کسانی و بر چه مبنایی ترجمه می‌کنند. اگر

خود سازمان صدا و سیما عهده‌دار چنین کاری بود، حداقل می‌توانستیم انتظار داشته باشیم که انتخاب فیلم و ترجمه آن‌ها بر اساس خط قرمزهای ایدئولوژیک مشخصی صورت گرفته باشد. ولی اگر کار ترجمه و دوبله به شرکت‌های خصوصی خارج از سازمان ارجاع شود، طبیعی است این شرکت‌ها که دستورالعمل تفصیلی ندارند دچار خودسانسوری شده و هر موردی را که احساس کنند ممکن است دردسر ساز شود حذف کنند و یا بدتر از آن این‌که محتوا را تغییر دهند. برای مثال حذف هر نوع ارجاع به مسیحیت و کتاب مقدس، آن هم در فیلمی که ارجاع به مسیحیت در آن زیاد و معنی‌دار است چگونه توجیه‌پذیر است؟ شاید اگر قلم ترجمه در دست مترجمی متعهدتر و خلاق‌تر قرار بگیرد خیلی از این حذف‌ها اساساً ضرورت پیدا نکند.
